

«جوان» چالش‌های صندوق‌های باننشستگی و ضرورت اصلاحات بنیادین آنها را واکاوی می‌کند

# دست صندوق‌های باننشستگی همچنان در جیب بودجه

۴ صندوق از ۱۷ صندوق باننشستگی قادر به پرداخت حقوق و مزایای باننشستگان خود از محل منابع داخلی نیستند



جوان

مستمری بگیران. بر این اساس هر چه اندازه نسبت مذکور بزرگ‌تر باشد آن صندوق به لحاظ پایداری مالی پوشش خود دارند که حدود ۷۲ درصد جمعیت کشور محسوب می‌شوند. (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹). چهار صندوق از این ۱۷ صندوق در حال حاضر قادر به پرداخت حقوق و مزایای باننشستگان خود از محل منابع داخلی نبوده و در قوانین بودجه سالانه اعتباراتی برای این منظور در نظر گرفته می‌شود. کاهش جمعیت حق بیمه‌پرداز در کنار افزایش تعداد مستمری‌بگیران و تحمیل تکالیف غیر بیمه‌ای به صندوق‌ها، موجب وابستگی این صندوق‌ها به اعتبارات عمومی شده است. این فاجعه باننشستگی، در طول بیش از یک دهه، رفته رفته سهم بزرگ و بزرگ‌تری از یک‌ک نظام رفاهی در ایران را به خود اختصاص داده‌است و بخش قابل توجهی از منابع مربوط به امور رفاه اجتماعی در بودجه سنواتی به این بخش اختصاص پیدا کرده‌است.»

**■ ناتوانی ۴ صندوق در تأمین منابع**

کارشناس امور بیمه و مالیات می‌افزاید: «در میان صندوق‌های باننشستگی، صندوق باننشستگی کشوری، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، صندوق باننشستگی کارکنان فولاد و صندوق وزارت اطلاعات از طریق منابع داخلی خود قادر به تأمین هزینه‌های خود نبوده و به‌صورت مستقیم در بودجه سالانه میالغ قابل توجهی به آنها اختصاص می‌یابد. بر اساس جدول بودجه، میزان اعتبارات دریافتی صندوق‌ها از حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به حدود ۲۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده‌است. این مبلغ بدون در نظر گرفتن اعتبارات دو صندوق دارای پایداری مالی یعنی سازمان تأمین اجتماعی و صندوق کشاورزان، روستاییان و عشایر است. ذکر این نکته ضروری است که هم‌اکنون دین دولت به سازمان تأمین اجتماعی بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود. صندوق باننشستگی گیرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲)

**■ چالش‌های صندوق‌های باننشستگی**
کارشناس امور بیمه و مالیات خاطر نشان می‌کند: «بحران کنونی صندوق‌های باننشستگی در ایران متأثر از چالش‌ها و مشکلات مختلفی است که طی سال‌ها تأثیر خود را بر سازمان نهاده است:
۱) **کاهش نسبت پشتیبانی**

نسبت پشتیبانی شاخصی است که بیانگر وضعیت جریان مالی ورودی به جریان خروجی صندوق‌هاست و برابر است با نسبت تعداد بیمه‌شدگان به تعداد پرونده‌های

قدیمی‌ترین آنها نیز صندوق باننشستگی کشوری است. این ۱۷ صندوق جمعا بیش از ۶۰ میلیون نفر را تحت پوشش خود دارند که حدود ۷۲ درصد جمعیت کشور محسوب می‌شوند. (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹). چهار صندوق از این ۱۷ صندوق در حال حاضر قادر به پرداخت حقوق و مزایای باننشستگان خود از محل منابع داخلی نبوده و در قوانین بودجه سالانه اعتباراتی برای این منظور در نظر گرفته می‌شود. کاهش جمعیت حق بیمه‌پرداز در کنار افزایش تعداد مستمری‌بگیران و تحمیل تکالیف غیر بیمه‌ای به صندوق‌ها، موجب وابستگی این صندوق‌ها به اعتبارات عمومی شده است. این فاجعه باننشستگی، در طول بیش از یک دهه، رفته رفته سهم بزرگ و بزرگ‌تری از یک‌ک نظام رفاهی در ایران را به خود اختصاص داده‌است و بخش قابل توجهی از منابع مربوط به امور رفاه اجتماعی در بودجه سنواتی به این بخش اختصاص پیدا کرده‌است.»

**■ تاریخچه صندوق‌های باننشستگی**

جانمحمدی می‌افزاید: «به لحاظ تاریخی، شکل‌گیری نظام باننشستگی در ایران به دوره اول مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۷ و تصویب «قانون وظایف» می‌رسد. این قانون سه پایه کارکنان دولت اختصاص داشت، همزمان با اجرای پروژه راه‌آهن سراسری، هیئت وزیران طی مصوبه‌ای در سال ۱۳۰۹ صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع» را تأسیس کرد که اولین گام برای اجرای بیمه‌های کشوری بود.
سسال ۱۳۵۴ نقطه عطفی در صندوق باننشستگی کشوری برای مستخدمین دولت تأسیس شد. پس از انقلاب، با شکل‌گیری قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۲۸ و تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق باننشستگی کشوری، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر و بیمه خدمات درمانی (بعدهاتحت عنوان سازمان بیمه سلامت ایران زیر نظر وزارت بهداشت) ذیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (امروزه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) قرار گرفتند. صفح در این دوران، سال ۱۳۹۱ صندوق باننشستگی کارکنان فولاد به لیست صندوق‌های تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزوده شد، در سال ۱۴۰۱ نیز صندوق باننشستگی هما به‌دلیل ناترازی مالی، در صندوق باننشستگی کشوری ادغام شد.»

**■ وضعیت کنونی صندوق‌های باننشستگی**

جانمحمدی تصریح می‌کند: «در ایران ۱۷ صندوق باننشستگی وجود دارد که در مجموع حدود ۲۳/۶ میلیون مشترک و مستمری‌بگیر است که «اصلاح نظارت بر قرار داده‌اند. در بین این ۱۷ صندوق، بزرگ‌ترین صندوق از نظر تعداد مشترکان صندوق تأمین اجتماعی و

به حوزه بیمه، تأثیر بسزایی بر کسب و کارهای اقتصادی به خصوص در هزینه‌های این کسب و کارها دارد.بنابراین بررسی نحوه تعامل این نهاد با کسب و کارها حائز اهمیت است. سازمان تأمین اجتماعی از طرفی به دلیل مشکلات بنیادی در نظام باننشستگی، با مشکلاتی در تأمین منابع مالی خود مواجه شده است و از طرف دیگر این سازمان برای تأمین منابع خود مجبور به فشارهای مضاعف بر کسب و کارهای مختلف شده‌است. موضوع پرداخت حق بیمه‌مهم‌ترین مجرای تعامل سازمان با کسب و کارهاست و رویه‌های سختگیرانه در این بخش به عنوان یکی از موانع و مشکلات محیط کسب و کار یاد می‌شود.»

وی در ادامه شش مورد از مهم‌ترین مشکلاتی را که کسب‌وکارها در این حوزه به آن مواجه هستند برشمرد:
– صدور بخشنامه‌های متعدد از سوی سازمان تأمین اجتماعی و عدم شفافیت آنها برای کارفرمایان و کسب و کارها
– بالا بودن و عدم شفافیت در اخذ حق بیمه قرارا دها
– قلم به شخص بودن وصول حق بیمه و نقش همزمان سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان ذینفع وصول منابع و مجری
– طراحی نامناسب فرآیند دادرسی و نامتوازن بودن اعضای هیئت‌های رسیدگی به شکایات

–عدم قطعیت ناشی از رسیدگی به دفاتر سال‌های گذشته کسب‌وکارها (مرور زمان)
– عملکرد نامناسب سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه تشخیص و شناسایی پیمانکاران

کارشناس بیمه و مالیات تأکید می‌کند: «البته سازمان تأمین اجتماعی در سالیان اخیر گام‌های مثبتی از جمله انتشار بخشنامه‌های تفتیح و تلخیص و حذف بازرسی حضوری برای احراز اولیه کارگه انجام داده است اما می‌تولد تلاش و اهتمام بیشتری در زمینه رفع موانع تولید صورت گیرد.»

**■ راهکار چیست؟**

جانمحمدی درباره راهکارها نیز خاطر نشان می‌کند: «منحصراً اولین گام برای سامان دادن به وضعیت کنونی صندوق‌های باننشستگی، تغییر نگرش تصمیم‌سازان نسبت به این بحران و در اولویت قرار دادن آن است. آنچه موجب شده است تهدید ملی تأمین اجتماعی در ایران در میان اولویت‌های دولت‌نا نباشد این است که تصور می‌شود این تهدید در آتیه بسیار دور به وقوع خواهد پیوست یا دولت توان اقتصادی مداخله و مدیریت آن را خواهد داشت. آنکه در صورت در شکسته‌شدن صندوق‌ها حتی دولت هم نتوان مداخله اقتصادی را انجام دهد یا این موضوع می‌تواند تبعات اجتماعی گسترده‌ای به‌دنبال داشته باشد. در این شرایط ضروری است نسبت به اصلاحات در دو محور پارامتریک و ساختاری اقدام شود. اصلاحات پارامتریک ناظر بر تغییرات و اصلاحات در پارامترهای بیمه‌ای بوده و عمدتاً متتمر بر اصلاح سن و سابقه باننشستگی، افزایش طول دوره مینای محاسبه مزایای مستمری و تجدیدنظر در این معض است. طبق این سازو کار وظیفه حمایت از اقشار ضعیف و پرداخت مستمری‌های حمایت‌بر پی عهده کامیت‌گذاشته شده‌است و منابع آن نیز عمدتاً از طریق اجرای مالیات بر مجموع درآمد (PIT) می‌حقق می‌شود.

**۴) بازدهی نامناسب سرمایه‌گذاری‌ها**
هم‌اکنون در صد بسیار پایینی از منابع صندوق‌های باننشستگی به سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های آنها اختصاص دارد. تأثیر پذیری از شرایط اقتصاد کلان، عدم پرداخت بدهی‌های قانونی دولت به صندوق‌ها، واگذاری بنگاه‌های غیر سودده در قالب رد دیون به صندوق‌های باننشستگی، نبود ثبات مدیریتی و عدم کارآمدی در مدیریت بنگاه‌ها، مهم‌ترین علل عدم بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها بوده است.

**■ سرریز مشکلات به بخش حقیقی اقتصاد ایران**
جانمحمدی خاطر نشان می‌کند: «در میان صندوق‌های باننشستگی ، سازمان تأمین اجتماعی به‌واسطه ماهیت بیمه‌شوندگان آن که اکثر از طیف کارگران و کارفرمایان است، ارتباط مستقیمی با بخش تولیدی دارد. سازمان تأمین اجتماعی به دلیل وجود قوانین و مقررات مربوط



مذکور در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است و در این خصوص راهکارهای چندجانبه‌ای شامل تأدیه بدهی‌ها، افزایش نظارت‌ها(هیئت نظارت، وزارت رفاه، سازمان بورس، سازوکار بازار) و کاهش هزینه‌های اجرایی صندوق‌ها(از طریق تجدید ساختار و ادغام آنها با یکدیگر) را پیشنهاد می‌کند، اما اینکه تاچه میزان شیوها و راهکارهای ارائه شده در این طرح به ارتقای بهره‌وری و

## نظام اقتصادی اسلام

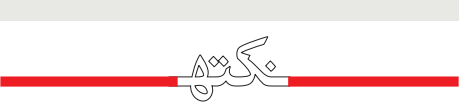
طبعاً رهیافت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «نه شرقی، نه غربی» درباره همه ساحت‌ها از جمله اقتصاد صدق می‌کند.
نقی نظام‌های اقتصادی نئولیبرالیسم و کمونیسم با پشتوانه «نظام اقتصادی اسلام» است، اما این نظام آنتور که باید، معرفی و مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
از این جهت در سلسله مطالبی کتاب «نظری به نظام اقتصادی»، مجمه عه یادداشت‌های متفکر شهید استاد مرتضی مطهری را بازنخوانی می‌کنیم.



## اصل ارزش ناشی از مفید بودن است

ارزش نه ذاتی اشیاست که از قبیل صفاتی نقشه اشیا باشد، و نه اعتباری و قراردادی است. اصل ارزش ناشی از مفید بودن است – که منشأ و مبدأ تقاضاست – به علاوه ندرت وجود، ولی البته ندرت وجودی که مبدأش قابلیت تمکک و انحصار باشد، و اما در چه ارزش، یعنی بها و قیمت خاص، بستگی دارد به مقدار تقاضا و مقدار ندرت و عدم ندرت، یعنی دسترس بودن و نبودن. کار، در طول عرضه و در دسترس قرار دادن از یک طرف و مفید کردن و مورد تقاضا قرار دادن از طرف دیگر است، نه در عرض آنها چنانکه قبلاً گذشت. و اما بحث دوم، یعنی بحث ارزش اضافی. در گذشته گفتیم که اگر ثابت شود سرمایه‌داری مستلزم این است که کارفرما سودی را که صدرصد به کارگر تعلق دارد می‌برد، نمی‌تواند مشروع باشد. سوسیالیست‌ها این مطلب را با برهان خاصی خواسته‌اند اثبات کنند. (ما خود را خاصی در آینده ذکر خواهیم کرد برای نامشروع بودن سرمایه‌داری)

مطلب فرضیه سوسیالیست‌ها اثبات این مطلب متوقف بر اثبات دو مطلب دیگر است: اول اینکه ارزش هر چیزی مساوی کاری است که در آن چیز صورت گرفته است. دوم اینکه ارزش اضافی که در سرمایه‌داری پدید می‌آید فقط و فقط ناشی از نیروی کارگر است، افزاژ تولید داخلی در اضافه ارزش ندارد. ما اصل اول را باطل شناختیم، علیهذا احتیاجی به ابطال نظر مارکس در باب ارزش اضافی نداریم، ولی فعلا بنامی گذاریم بر قبول اصل اول که آدام اسمیت و ریکاردو آن را ابداع کردند و مارکس از آنها پیروی کرد، یعنی قبول می‌کنیم که ارزش هر چیز ناشی از کاری است که در آن صورت گرفته و به مقدار کاری است که در آن صورت گرفته است. اکنون بینیم تکلیف اضافه ارزش چه می‌شود؟ در اینجا به نظر ما در چند مطلب باید بحث بشود: الف. آیا استفاده از نیروی کار به منظور فروش و استفاده از حاصل آن و به جرات دیگر استفاده از اضافه ارزش، از مشخصات کاپیتالیسم جدید است یا آنکه حتی در نظام اقتصاد ساده قدیم نیز بوده است، و اگر در قدیم هم بوده است پس مشخصه اصلی سرمایه‌داری جدید چیست؟ و به عبارت دیگر فصل ممیز رژیم اقتصادی جدید چیست؟



### سرمایه‌داری فاجعه

کتاب «چین چگونه از شوک درمائی گریخت؟» نوشته خاتم «بزابلام ویر» است. این نویسنده طبق اطلاعات تاری نامی «ایران کتاب» یک نویسنده انگلیسی است که موفق به کسب مدرک دکتری اقتصاد شده است و در حوزه پژوهشی مرتبط با اقتصاد جهانی و شرق آسیا مطالعه می‌کند. ویر در دانشگاه کمبریج لندن تحصیلات خود را گذرانده است و در حال حاضر در گروه آموزشی دانشکده اقتصاد دانشگاه ماساچوست امریکانیز فعالیت می‌کند. کتاب «کترین شوک؛ ظهور سرمایه‌داری فاجعه‌محور» نوشته خاتم «انومنی کلاین» است. خاتم «انومنی کلاین» در این کتاب نشان می‌دهد «نظام سرمایه‌داری» بر بستر بحران‌ها رشد می‌کند و مثنی بازار آزاد (خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و حذف خدمات دولتی) هر کجا پیاده شود ثروتمندان را اتر ثروتمند و کارگران را فقرای یک بار مصرف می‌کند. نظریه «دکترین شوک» می‌گوید بر همه اثر فاجعه (چه واقعی و چه ساختگی)، یک حالت شوک جمعی بر همه مردم مستولی می‌شود؛ جوامع شوکه شده نیز غالباً از چیزهایی – که در حالت عادی سرسختانه از آنها محافظت می‌کردند – دست بر می‌دارند. بین «بازار آزاد» و «ارباب» یک «سازگاری درونی» وجود دارد اما میلیون فریدمن (مرگ ۱۳۸۵) واضح نظریه شوک درمائی و مُرشد مکتب اقتصادی شیکاگوست. این نظریه اولین بار با دیکتاتوری «پینوشه» در شیلی اجرا شد و بعدها مردم آرژانتین، ویلیوی، اروگوئه، ونزوئلا، لهستان، کره جنوبی، فیلیپین، سریلانکا، عراق، و… از این شوک در امان نماندند. افرادی همچون «سالوادور آلنده»، «رنست چه‌گوارا» و «هلسون مندللا» در گرمارگرم ظهور «سرمایه‌داری فاجعه‌محور» ترور یازدانی شدند. آقای «دواردو گالتائو» شاید به خوبی حق مطلب را ادا کرده است: مردم «زدانی» شدند تا قیمت‌ها «آزاد» باشند.

در پیش گفتار کتاب «دکترین شوک، ظهور سرمایه‌درای فاجعه» می‌خوانیم: «سال ۲۰۰۴ به این سئو، ناثومی کلاین دست‌اندوکار پژوهش در حیطه‌ای از تاریخ اقتصاد بوند است. آکنده از گفته‌ها (و اغلب ناگفته‌ها)ی بحران‌های گوناگون چند دهه اخیر و اینکه چگونه از این بحران‌ها سواه استفاده می‌شود تا راه برای پیشروی به اصطلاح «انقلاب‌های اقتصادی» دست راستی در سراسر عرصه گیته هموار گردد: بحرانی فرا می‌رسد، هول و هراس جامعه را در بر می‌گیرد و نظریه‌پردازان راست‌گرا، بار ختنه کردن در خلأاجتماعی ناشی از بحران و جو ترس و نگرانی، دست به کار می‌شوند و به نفع شرکت‌های بزرگ، به مهندسی جوامع بحران‌زده می‌پردازند. این منگردی است که خاتم ناثومی کلاین آن را «سرمایه‌داری فاجعه» می‌نامد.